

نگاهی گذرا به نظریه
ولایت فقیه

آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

تدوین و نگارش: محمد مهدی نادری قمی

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
قدس سره

۱۳۹۹

فهرست مطالب

پیشگفتار	۸
----------------	---

فصل اول - ولایت فقیه: ضرورت بحث و پیش فرض ها

اهمیت و ضرورت بحث ولایت فقیه	۱۱
جایگاه علمی بحث ولایت فقیه	۱۴
پیش فرض های نظریه ولایت فقیه	۱۵
۱- ضرورت حکومت	۱۶
۲- عدم مشروعیت ذاتی یک فرد یا گروه خاص برای حکومت	۱۶
۳- خدا؛ تنها منبع ذاتی مشروعیت	۱۸
۴- عدم جدایی دین از سیاست	۲۲

فصل دوم - رابطه دین با سیاست

سکولاریزم	۲۳
ظهور سکولاریزم	۲۴
سکولاریزم از نگاه برون دینی	۲۹
ارزیابی رابطه دین با سیاست	۳۱
اقلی یا اکثری بودن دین	۴۱

فصل سوم - جایگاه مردم در نظریه ولایت فقیه

۵۱	تبیین اصل بحث
۵۲	معنای مشروعیت
۵۳	مقبولیت
۵۴	رابطه مشروعیت با مقبولیت
۵۵	نقش مردم در حکومت اسلامی
۵۸	مبنای مشروعیت حکومت بعد از پیامبر اسلام بر اساس نظر اهل سنت
۵۹	نظریه شیعه در باره مبنای مشروعیت حاکمان و حکومت‌ها بعد از پیامبر ﷺ
۶۰	الف - دوران حضور امام معصوم (علیه السلام)
۶۳	ب - دوران غیبت و عدم حضور امام معصوم (علیه السلام)
۶۶	دو شرط لازم برای انجام این تحقیق
۶۹	تحقیق نظر صحیح در مورد نقش مردم در حکومت در زمان غیبت
۷۴	بررسی و نقد دو نظر دیگر

فصل چهارم - اثبات ولایت فقیه

۷۹	ولایت تکوینی و ولایت تشریعی
۸۳	ولایت فقیه؛ تقلیدی یا تحقیقی
۸۴	ادله اثبات ولایت فقیه
۸۴	الف - ادله عقلی
۸۴	دلیل عقلی اول
۹۱	دلیل عقلی دوم
۹۶	ب - ادله نقلی
۹۷	دلیل نقلی اول
۱۰۰	دلیل نقلی دوم

بیشگفتار

به حق می‌توان «نظریه ولایت فقیه» را محوری‌ترین و مهم‌ترین پایه و اساس نظام سیاسی اسلام در عصر غیبت امام زمان علیه السلام دانست. نظریه‌ای که در آخرین سال‌های قرن بیستم عملاً کارآیی و صلاحیت دین را در اداره امور جامعه بر همگان آشکار ساخت و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی رحمه الله با تکیه بر این اندیشه توانستند علی‌رغم میل همه قدرت‌های استعمارگر دنیا، نظام حکومت اسلامی را ایجاد کرده و بخوبی آن را اداره کنند.

در حالی که از اواخر قرن شانزدهم میلادی به این طرف، در مغرب زمین اندیشه جدایی دین از سیاست و پاسخ‌گو نبودن دین در رفع مشکلات اجتماعی و عدم توان آن در اداره امور جامعه از سوی دانشمندان علوم سیاسی و نیز سیاستمداران به شدت ترویج شده بود و ارباب کلیسا نیز آن را پذیرفته بودند، یک روحانی و مرجع مسلمان دینی توانست با تأسیس یک نظام حکومتی مبتنی بر اصول، ارزش‌ها، احکام و در یک کلمه، اندیشه دینی، دوست و دشمن را به حیرت وادارد. او با تأکید بر این شعار که «حکومت، فلسفه عملی تمام احکام اسلام است» و با تکیه بر این که «جمهوری اسلامی؛ نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد» و حذف کلمه «دموکراتیک» از نامی که برای این حکومت پیشنهاد کرده بودند، خواست علماً و عملاً نشان دهد که «نظام جمهوری اسلامی» با

محوریت «ولایت فقیه» یک نظام دینی محض، و مستقل و منخاز از تمامی نظام‌های رایج موجود در دنیاست که علی‌رغم ادعاهای مخالفان قادر است بخوبی جامعه را اداره کند.

امروز پس از گذشت دو دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت اسلام و نظام ولایت فقیه در کشور عزیزمان ایران، دشمنان قسم خورده ملت و کشور ما که به درستی دریافته‌اند رمز استواری، استقلال، عظمت و سربلندی این کشور پای‌بندی به دین و ولایت فقیه است، با شیوه‌ها و ترفندهای گوناگون فرهنگی سعی در تضعیف اعتقاد و تشکیک در باورها، اصول و ارزش‌های دینی و اسلامی مردم و جامعه ما دارند و به عنوان یکی از اهداف راهبردی خود، تضعیف «ولایت فقیه» را نشانه رفته‌اند و متأسفانه گروهی از دگراندیشان، آگاهانه و ناآگاهانه، با اعمال و رفتار و زبان و قلم خود به این جریان کمک می‌کنند.

ما معتقدیم امروز و در وضعیت کنونی جامعه ما ولایت فقیه، عمود خیمه اسلام است و حفظ و استحکام آن مایه حیات و رونق اسلام و احکام و ارزش‌های اسلامی در جامعه است؛ از این‌رو بر آن شدیم تا با تبیین این نظریه و دفاع علمی و منطقی از آن و تنویر افکار عمومی و بویژه نسل جوان و نورسته کشورمان که ممکن است آشنایی کم‌تری با این نظریه و کم و کیف آن داشته باشد، بخشی هر چند کوچک از وظیفه دینی و الهی خود را ادا نماییم. در این نوشتار سعی ما بر این بوده که ضمن رعایت اتقان و استحکام علمی مباحث، از بکار بردن اصطلاحات و استدلال‌های فنی و پیچیده پرهیز کنیم تا مطالب برای افرادی که کم‌تر با بحث‌ها و اصطلاحات حوزوی و علمی آشنا هستند قابل استفاده باشد و تلاش کرده‌ایم تا آن‌جا که ممکن است از قلمی ساده و روان بهره بگیریم و از

طرح مطالب در قالب‌های دشوار و پیچیده دوری کنیم. همچنین در پی آن نبوده‌ایم به همه ابعاد و جوانب این نظریه بپردازیم بلکه مباحثی را که به نظر ما مهم‌تر و بحث‌انگیزتر بوده‌اند طرح کرده‌ایم و به هر حال رعایت اختصار و حوصله و فرصت خوانندگان مدنظر بوده است؛ تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

در خاتمه لازم به ذکر است که این مجموعه، برگرفته از سخنرانی‌ها، مقالات، کتاب‌ها و جلسات پرسش و پاسخ استاد فرزانه حضرت آیه الله مصباح یزدی (دام ظلّه) است که نگارنده آنها را تنظیم و تحقیق نموده و به رشته تحریر در آورده است. از آن جا که نظریه ولایت فقیه، تنها یک بخش از هندسه نظریه سیاسی اسلام می‌باشد لذا علاقمندان به تبیین هر چه بیشتر و واضح‌تر نظریه سیاسی اسلام می‌توانند به دو کتاب دیگر استاد، یعنی حقوق و سیاست در قرآن و نظریه سیاسی اسلام (ج ۱ و ۲) مراجعه نمایند.

اسفند ماه ۱۳۷۸

محمد مهدی نادری